

بحث در موضوعات حقوقی

لائحه قانون کیفر عمومی

(۳)

تذکر لازم

این توضیحاتی که راجع به مواد لایحه قانون کیفر عمومی میدهم بحثی است آزاد و نظریه شخصی نویسنده و هیچگونه رسمیتی نباید بآن داده شود. هر کسی می تواند در اطراف این مواد بحث کند و نظریات خود را چه موافق و چه مخالف بگوید و بنویسد. اینکه در آغاز بحث گفته شد که از طرف وزارت دادگستری دستوری داده شده و اشارتی رفته مقصود همان دستورات عمومی است که طی بخشنامه ها از بدو انتشار مجموعه حقوقی صادر شده و کارمندان وزارت دادگستری بنوشتن مقالات در اطراف مواد قانونی و موضوعات حقوقی دعوت شده اند و من بنده مأموریت مخصوصی در این بحث ندارم بحثی است علمی مثل همه مباحث که در مجلات علمی منتشر می شود.

ماده ۸ - در غیر مورد ماده پیش نسبت به ایرانی که در خارج مرتکب جرمی شود که حداقل مجازات آن مطابق قانون ایران دو سال حبس باشد... تا آخر قوانین کیفری اصولاً برای داخله کشور هارضع میشود و شمول آنها نسبت باعمالی که در کشور دیگر ارتکاب شده یا ترتیب اثر دادن در داخله کشوری بحکمی که در کشور بیگانه صادر شده امری است استثنایی و برخلاف اصول و محتاج بتصریح قانون و اموری که معمولاً در اینجا استثناء میشوند یکی بزبهای مذکور در ماده پیش است که بواسطه اهمیت ذاتی که دارد با قطع نظر از شدت کیفر یا خفت آن استثناء میشود دیگری

بزبهای سیاسی است و قسم سوم بزبهای عمومی است که مشمول دو قسم پیش نیست ولیکن کیفرهای بزرگ دارد. - درین لایحه بزب سیاسی استثناء نشده زیرا با وجود شق اول ماده پیش و این ماده حاجتی با استثنای بزبهای سیاسی نبوده و اما اینکه این ماده با وجود اهمیت بزب اختصاص بایرانی داده شده ظاهراً برای این است که اگر بیگانه در خارج مرتکب بزب بزرگی غیر از بزب های مذکور در ماده ۷ شده باشد و بایران نیاید مثل همه بزبکاران کشورهای بیگانه خواهد بود که بمبارتباطی ندارند و ماعلاقه مند بسرنوشت آنها نیستیم و اگر چنان کسی در ایران یافت شود و بهم آن باشد که با امنیت داخلی یا انتظام عمومی اخلال کند قانون اخراج بیگانه از کشور برای او کافی خواهد بود و حاجتی بانک وقت ادارات و دادگاهها مصروف او شود نخواهد بود ولیکن البته حکم اخراج اینگونه بیگانه ها از کشور در قوانین مربوط با امنیت عمومی باید پیش بینی شده باشد.

و اما تعقیب شدن مرتکب در ایران بموجب این ماده بوجه اطلاق نیست بلکه موقوف باین است که قضیه در خارج خاتمه نیافته باشد. و اگر امر در خارج خاتمه یافته باشد چه بصورت حکم تیرانه و چه با جرا شدن تمام کیفر مورد حکم برفرض محکومیت دیگر در ایران قضیه تعقیب نمیشود مگر بوجه مذکور در ماده ۹ که آنها در یکی ازین دو صورت ممکن است پس اگر قضیه در خارج تعقیب نشده یا اگر شخص منتهی بصدور حکم نگردد یا اگر بصدور حکم محکومیت

منتهی شده هنوز تمام کیفر اجرا نشده در همه این صورتها اگر مرتکب در ایران یافت شود تعقیب میشود و بر طبق قوانین کیفری ایران با او رفتار میشود نهایتا اگر مقداری از کیفری که در آنجا در باره اش مقرر شده اجرا شده باشد و این تعقیب هم منتهی بمحکومیت او شود آن مقدار کیفری که دیده احتساب میشود درین ماده دو شرط برای تعقیب ذکر شده یکی آنکه عمل بموجب قانون کشور محل ارتکاب نیز بزه باشد و دیگر آنکه مرور زمان حاصل نشده باشد که شرط اول بی اشکال است ولیکن شرط دوم قابل تامل است زیرا بموجب ماده ۷۶ همین قانون مرور زمان مسقط بزه است و اگر در اینجا این قید هم نمیشد حکم قضیه از آنجا معلوم بود یعنی در صورت مرور زمان قضیه تعقیب نمیشد چنانکه در ماده ۷ با وجود اینکه مشتمل برین شرط هم نیست باز مساوا در مقام عمل اگر مرور زمان حاصل شده باشد قضیه تعقیب نمیشود و نباید هم تعقیب شود زیرا قانون کلی مرور زمان حکم همه این قضایا را معین کرده و در هر موردی جدا گانه نباید تکرار شود آنچه بنظر میرسد این است که غرض علاوه بر تعمیم مرور زمان منحصر کردن مسقط به مرور زمان بوده یعنی اگر بطور دیگر بزه یا کیفر اسقاط شده باشد مثلا در کشور محل ارتکاب مورد عفو عمومی یا عفو پادشاه واقع شده باشد مانع تعقیب نخواهد بود و این اگر چه برخلاف نظر بعضی مقلین دیگر است (۱) بی وجه هم نیست و بهر حال چون در اینجا صورت

۱ - ماده ۱۷ لایحه فرانسه چنین تدوین شده :
جز برای جنایات مذکور در ماده ۱۳ (آب جنایات همانهایی است که در سه شق اول ماده ۷ این لایحه ذکر شده) هیچگونه تعقیبی نسبت بفرانسوی یا بیگانه برای جنایت یا جنحه که در خارج کشور ارتکاب شده نمی توان بعمل آورد اگر ثابت کند که در خارج محاکمه نهایی او بعمل آمده و در صورت محکومیت مجازاتش را کشیده یا عفو شده است

عفو استثنا نشده و در باب عفو هم حکمی برای عفو در خارج کشور ذکر نشده ناچار اگر چنین فرضی پیش آید بر حسب این قانون نمیتوان بان عفو ترتیب اثر داد و اما شکایت متضرر در مواردی که تعقیب بزه را قانون منوط بشکایت او کرده ظاهر این است که در اینجا هم این شرط باید رعایت شود در ماده ۹ قانون کیفر عمومی ایتالیا هم در نظیر این مورد این قید دیده میشود ماده ۹ - ایرانی که در کشور بیگانه برای ارتکاب جرمی محکوم شده تا آخر

درین زمان که مسافرتها تسهیل شده و پیوسته اشخاصی از کشوری بکشور دیگر مسافرت میکنند و باز بوطن خود مراجعت مینمایند بسیار اتفاق میافتد که کسی در کشوری متوقف است و در کشور دیگر محکومیت کیفری دارد اینهم معلوم است که بدون تصریح قانون حکم محکومیت صادر از کشوری در کشور دیگر منشأ اثری نمیتواند بود از طرفی هم چنین احکامی را کان لم یکن گرفتن و با آنگونه اشخاص مثل اشخاص سالم رفتار کردن ممکن است بضرر کشور محل توقف تمام شود و بعلاوه ممکن است حکم محکومیت خارج مشتمل بر قسمتهای حقوقی از قبیل محکومیت بر دعین یا جبران خسارت باشد و در دادگاههای مدنی کشور محل توقف محکوم ملاک مطالبه قرار گیرد. این است که در بعضی قوانین این عصر آثاری برای این احکام قائل شده اند ولیکن پس از آنکه یکداده گاه کیفری داخلی آن حکم را ملاحظه کرده تصدیق کند که از یک دادگاه قانونی صادر شده و میتواند بان ترتیب اثر داد در اینجا دو ماده از دو قانون مهم ذکر میکنیم تا مورد این کار معلوم شود:

ماده ۱۸ لایحه قانون کیفر عمومی فرانسه -
با حکم کیفری خارجه از نظر تکرار بزه و الفاء تعلیق و مقررات تاهینی و سلب حقوق و همچنین از نظر

ردعین و جبران خسارت و سایر آثار حقوقی میتوان اعتبار داد در صورتی که آن احکام راجع باعمالی صادر شده باشد که در قانون فرانسه جنایت یا جنحه شمرده شده و قانونی بودن حکم را یکی از داد گاههای جنحه فرانسه تصدیق کرده باشد تا آخر

ماده ۱۲ قانون کیفر عمومی ایتالیا - «حکم کیفری کشوریگانه که در موضوع بزهی صادر شده باشد میتواند درین صورتها مورد تصدیق شود:

۱ - از نظر رعایت تکرار بزه یا اثر جزائی دیگری از آثار محکومیت یا برای اعلان کردن شخص را بزه کار بعات یا بحر فیه یا بطبیعت

۲ - در موقعی که بر طبق قانون کیفر ایتالیا محکومیت مستلزم کیفر تبعی باشد

۳ - هر گاه بر حسب قانون ایتالیا شخص محکوم بابتبرئه شده که در خاک ایتالیا متوقف است میباید تحت تأمین شخصی قرار گیرد

۴ - هر گاه حکم کیفری کشور بیگانه مشتمل بر محکومیت بردعینی یا جبران خسارتی باشد یا آنکه بنحوی از انحاء باید در داد گاههای کشور ایتالیا به غرض استرداد عین یا جبران خسارت یا اغراض مدنی دیگری ابراز شود

برای اینکه بتوان حکم کیفری صادر از کشور بیگانه را تصدیق کرد باید حکم از مقامات قضائی کشوری صادر شده باشد که ایتالیا با او معاهده استرداد بزهکاران دارد - اگر معاهده مذکور در میان نباشد در صورتی میتوان آنرا مورد تصدیق قرارداد که وزیر داد گستری تقاضا کند و اگر تصدیق برای یکی از اغراض مذکور در شق ۴ این ماده باشد تقاضای وزیر داد گستری هم لازم نیست»

این بود مواد قانون کیفری سایر ملل راجع بتصدیق احکام کیفری کشور بیگانه و برای اینکه معلوم شود در مقام عمل چگونه اقدام میکنند چند ماده از آیین دادرسی

کیفری ایتالیا در اینجا میآوریم:

ماده ۶۷۲ - همینکه احکام کیفری خارج چه حکم محکومیت و چه حکم تبرئه بوزارت داد گستری رسید پس از ثبت در دفاتر بلافاصله ترجمه حکم و منضمات آن بایطالیائی نزد دادستان استانی که آثاره سجل کیفری صلاحیت دار در آن استان واقع است فرستاده میشود دادستان مزبور نظر میکند که آیا جای آن هست که راجع بانثار مذکور در سه شق اول ماده ۱۲ قانون کیفر عمومی برای صدور تصدیق بداد گاه مراجعه کند یا نه برای این کار میتواند هر گونه اطلاعی که لازم دارد از مقامات صلاحیت دار کشور بیگانه بوسیله وزارت داد گستری تحصیل کند اگر دید جای مراجعه بداد گاه است تقاضانامه بداد گاه استان میدهد.

ماده ۶۷۳ - کسی که برای مطالبه عینی یا جبران خسارتی یا اثر حقوقی دیگری باعتبار دادن بحکم کیفری صادر از کشور بیگانه علاقه مند است نیز میتواند تقاضانامه بداد گاه استان مذکور در ماده پیش بدهد.

ماده ۶۷۴ - داد گاه استان نمیتواند درین موارد حکم را تصدیق کند:

۱ - اگر متهم بدادرسی دعوت نشده یا مدافعی همراه او یا بجای او در دادرسی حاضر نبوده
۲ - اگر حکم بر حسب قوانین کشور صادر کننده قطعی نشده

۳ - اگر حکم مشتمل بر مقرراتی باشد برخلاف احکام قانون مایا اصول کلیه تشکیلاتی قضایی کشور ما
۴ - اگر حکم بموجب قسمت اخیر ماده ۱۲ قانون کیفر عمومی قابل تصدیق نباشد

داد گاه استان طی حکمی با رعایت دستورات راجع بپیش آمدهای اجرائی رای میدهد و این حکم از طرف دادستان و شخص ذی نفع هر دو قابل فرجام است اگر داد گاه آن حکم را تصدیق کرد دادستان مفاد آنرا

حکم بمحروریت از همه یا بعض حقوق اجتماعی میدهد چنانکه ملاحظه میشود فقط در يك اثر مختصری از میان همه آثار محکومیت آنهم با اینهمه تشریف و دخالت دادن دیوان کشور در امر ماهیتی و اصدا حکم کیفری بیان حکم شده و آنچه من میدانم در قانون دیگری چنین رویه اتخاذ نشده و بنظر من ترجیح خواهد داشت که بجای این ماده يك ماده دیگر مشتمل بر رسمیت دادن بحکم کیفری صادر از کشور بیگانه تنظیم شود و می توان باین صورت تنظیم کرد:

ماده ۹ - هر گاه کسی که در خاک ایران است چه ایرانی و چه بیگانه در کشور دیگری که با ایران معاهده استرداد بزهکار دارد برای عملی که در قوانین ایران هم بزه شمرده شده بحکم قطعی محکوم و کیفر اصلی در باره اش اجرا شده باشد و مورد تجدید دادرسی نباشد دادگاههای کیفری ایران میتوانند بتقاضای دادستان که از وزارت دادگستری باو اجازه این امر داده شده باشد برای آثار کیفری و بتقاضای ذی نفع برای آثار مدنی بآن حکم رسمیت دهند.

پس از آنکه این ماده در قانون کیفر عمومی گذاشته شد در آیین دادرسی کیفری تفصیلاً و خصوصیات امر در مقام عمل پیش بینی خواهد شد نظیر آنچه در سایر قوانین ملل عمل شده.

حسن مشکان - طبیبی

برای اداره سجل جزایی مربوط میفرستند ثابت شود اگر در حکمی که به موجب آن حکم خارج تصدیق میشود آثار قابل ترتیب ذکر نشده باشد بعدا همان دادگاه بصورت فرار تعیین میکند مگر آنکه اثر عبارت از مقررات تأمینیه باشد که درین صورت قاضی ناظر اجرا بتقاضای دادستان شهرستان آنرا معین خواهد کرد.

۶۷۵ - مقررات مدنی حکم کیفری صادر از خارج کشور که مشتمل بر رد عینی یا جبران خسارتی باشد پس از آنکه حکم مورد تصدیق شد در داخل کشور قابل اجرا میشود و امر با اجرا ممکن است در همان حکم که از دادگاه استان بتقاضای ذی نفع صادر میشود قید شود و در سایر موارد ذی نفع بدادگاه استانی که در حوزه آن میخواهد ترتیب اثر بحکم جزائی داده شود مراجعه میکند.

این بود مواد آیین دادرسی کیفری برای اینکه معلوم شود در مقام عمل چه میکنند و درین لایحه این قسمت پیش بینی نشده مگر همین مقدار که در ماده ۹ مذکور است و خلاصه اش این است که ایرانی پس از آنکه در خارج کشور بحکم قطعی محکوم شده و حکم در باره اش اجرا شده بایران برگردد و آن محکومیت بحکم هر دو قانون مستلزم محرومیت از همه یا بعض حقوق اجتماعی باشد که درین صورت دادستان دیوان کشور از دیوان مزبور بتقاضای صدور حکم میکند و آن دیوان

تعاقد در وقت مشکوک

۱- عقودی که متوقف قبل از صدور حکم توقف

انجام میدهد

بموجب ماده ۴۲۶ قانون تجارت « هر گاه تاجر

بعد از توقف معاملات ذیلرا نماید باطل است .

۱- هر صلح محاباتی یا هبه و بطور کلی هر نقل و انتقال

بطوریکه در شماره پیش گفتیم طبق تعریفی که قانون مدنی بلسرّیک نموده امارات قانونی اماراتی است که با بعضی از عقود یا اعمال ارتباط داشته باشد و از جمله آنها عقودی است که تنها وقوع آن باحالت کذائی سبب بطلان عقد در نظر قانون شناخته شده است. اینک بطور اختصار بتوضیح این قسمت می پردازیم: